

بسمه تعالی

سوره مبارکه یس. استاد چیت چیان

کلاس مجازی آنلاین. سحر سه شنبه ۲۶ فروردین ۹۹

سوره مبارکه یس :

- قلب قرآن است.
- ریحانه است.
- اگر بر سر بستر محتضر بخوانید، به عدد هر آیه ای ده ملک در قرائت سوره، استغفار، تشییع و تدفین او همراهی می‌کنند. ملکوت را برای او زنده می‌کنند.
- کسی یکبار سوره یس بخواند، گویا دوازده بار ختم قرآن کرده.
- منشاء رزق است و برای انواع گشایش‌ها می‌تواند خوانده شود. **رزق** : جریان حیات و تداوم آن.
- کسی این سوره را همراه خود داشته باشد، از حسادت و چشم زخم و آزار جن و انس و امراض در امان می‌ماند. یعنی مقام حفظ کردن دارد مگر اتفاقی که رخ دادنش اثر هدایتی دارد.

خوشا بحال کسی این سوره را حفظ کند و بخواند زیرا کلام اهل جنت، سوره **طه** و **یس** است.

قسمت اول سوره : پنج آیه اول

یس : رمز میان خدا و رسول

بزرگترین چیزی که خدا به آن قسم خورده :

وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ

سوگند به قرآن کریم، (۲)

دارای **حکم** : برای هر بخش از زندگی دستور و برنامه ای دارد برای به مقصد رساندن.

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

که بی تردید تو از فرستادگانی، (۳)

بزرگترین دارایی در دنیا، رسولان هستند. موضوع این سوره، رسول خداست. ص

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

بر راهی راست قرار داری (4)

در عالم جهانی هست که قعود ایجاد می کند. رسول خدا. ص بر این صراط است : وجود ایشان هدایتگر است و صراط ساز.

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

[قرآن] نازل شده توانای شکست ناپذیر و مهربان است. (۵)

از جانب کسی آمده که عزت و رحمت در دست اوست. این جریان هدایت، جریان عزیز (دارای توان شکست ناپذیری در درون) و رحیم شدن (دریافت رحمت) است.

کل جریان سوره، مفهوم همین پنج آیه است. یعنی :

چیزی که انسان را زنده و حفظ و دارای عزت و رحمت میکند و حیات نورانی بانشاطی در او جاری میکند و استحکامی درونی و نشاطی دائمی ایجاد می کند، صراط دار و جهتدار بودن است.

با قرآن، رسول، جهت و قیام : استحکام درونی و جریان حیات با نشاط.

جهتدار بودن و یادگیری زندگی به سبک قیام.

انذار : هشیار و بیدار کردن.

غفلت زدایی . این سوره کارهای گفته شده در بالا را با غفلت زدایی می تواند انجام دهد.

اغلال : گرفتن نشاط و توان حرکت.

سخن از افرادی که فرقی ندارد هشیارشان کنی یا نه. به راه باطل میروند.

این هشیارسازی روی کسی اثر میکند که **اهل ذکر** باشد. یعنی حق پذیر باشد. حق را که شنید، بخواهد که عمل کند.

انسان ها میدانند؛ لازم نیست یادگیرند فقط باید این دانستن با توجه داشتن، بیدار شود. توجه به : جایگاه رسول. جهتدار شدن. و

غفلت برود ﴿ حفظ شدن از درون و متوجه شدن ﴾ در امان ماندن

این سوره میخواد از طریق بیدار کردن و رفع غفلت مارا حفظ کند. لازمه اش تبعیت از حق (ذکر) است و فرد باید در خلوتش اهل توجه و خشیت باشد.

دو روحیه : **خشیت نسبت به غیب + تبعیت از ذکر**

زندگی مرده آدم ها با رفع غفلت به حیات تبدیل میشود نه با لهو و لعب. الان دنیا درمانده شده و این لهو و لعب ها پاسخگو نیست. الان برای بار اول صوت قران در جهان در حال پخش شدن است.

سرگرمی : لحظاتی فرد را از غفلتش غافل میکند ولی مشکل را حل نمی کند.

قسمت دوم سوره : آیه ۶ تا ۱۲ - انسان را برای زنده کردن، بیدار میکند.

قسمت سوم : آیه ۱۳ تا

خشیت نداشتن : نمیخواهد از غفلتش خارج شود

کار رسول : بلاغ مبین

پاسخ آنها : همه بدبختی ها از شماسست (کار باطل این است که جریان حق را عامل بدبختی نشان دهد) ﴿ شئون بد شما از خودتان است و آنچه انجام داده اید.

ای رسولان! اگر ما را رها نکنید شما را سنگسار می کنیم.

رجل یسعی : مرد زنده شده به ندای رسولان. نفس نفس زنان آمد و مردم را ندا زد. این است یک مرد زنده شده(حی)

أَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ يُرَدَّنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرِّ لَّا تُغْنِي عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

آیا به جایی او معبودانی را برگزینم که اگر [خدای] رحمان برای من آسیب و گزند بخواند نه شفاعتشان چیزی را از من دفع می کند و نه می توانند نجاتم دهند؟! (۲۳)

آلهه گرفتن : یعنی چیزی به غیر خدا را ارزش دادن و به آن مراجعه کردن.

شرایط الان نشان میدهد که هیییییچ کدام آن آلهه ها پاسخگو نیست و نمی تواند کسی را نجات دهد.

بشنوید من را : شهادت دهید که من زنده می کنم شما را.

گویا آن قوم رجل یسعی را که بساط آنها را بهم ریخت، کشتند. درست زمانی که انبیاء را محکوم کرده بودند، این مرد رسید.

وقتی به شهادت رسید گفت : کاش مردم من میدانستند.

استهزاء : بی توجهی. رسولی نیامد مگر این که به او بی توجهی کردند.

جلوه های عدم **خشیت** در این جامعه :

- تو که خودت مثل مایی.
- بدبختی های ما از توست.

جلوه زنده بودن : زدن به دل جامعه و عدم هراس از عواقب آن.

جالب است سوره ای که سوره عزت و حفظ است، مردی دارد که به شهادت می رسد. حیات و حفظ این مرد یعنی : دشمنی قومش او را به عقب نشینی و یاس و ناامیدی نکشاند. به استقامت و قیام درونی ای رسید که در مقابل کل جامعه اش ایستاد و جلوه قیام را بروز داد. او اکنون از عزت است و نمی هراسد. آکنده از نشاط است و بیانی قاطع و محکم و جاری دارد. اینها جلوه ای از حیات درونی و اجتماعی.

کسی که زنده می شود، خودش **منذر** می شود. جاری و موثر و اهل رزق الهی است. مثل شهید چمران که در اوج مشکلات ، با دیدن گلی به آن توجه می کند. اوج عزت و حیات.

و اما در مورد عالم هستی : آیه ۳۳. اول دسته چهارم

ثمر دادن و زنده شدن حیات در عالم.

شکر کردن صحنه زنده شدن طبیعت (در بهار) : حقیقتش در شما جاری شود و ازین زنده شدن و بار دادن بهره بگیرید.

نسلخ منه النهار : روز میاید و پوسته شب را بر میدارد. مثل پوست کندن پیاز.

خورشید نظام حرکتی دارد و به ماه نمی رسد.

ماه منازل معلومی دارد.

شب و روز پشت سر هم میایند.

حمل ذریه شما بر کشتی آکنده و پر.

انعام.

رحمت و بهره مندی الهی.

غافل بودن ما : توجه نکردن به اتفاقات عالم هستی که هر روزه در جریان است.

باید رفت و این پدیده های عالم هستی را دید. درخت مرده و خشک را دید و بعد هم زنده شدنش را مشاهده کرد. زنده شدن عجیبی است.

چرا شک می کنیم که آدم ها نمی توانند زنده شوند و ثمر بدهند.

سوره یس می خوانیم تا زنده شویم و زندگی را در عالم جاری کنیم.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و هنگامی که به آنان گویند : از آنچه عذاب های دنیا و آخرت [پیش رو و پشت سر شماست بپرهیزید تا مورد رحمت قرار بگیرید] به این هشدار قطعی و یقینی توجه نمی کنند

،

همان محتوای پنج آیه اول در حال تفصیل پیدا کردن در این آیات است.

لعلکم ترحمون

چرا آدم ها ازین جریان حیات غفلت دارند؟

چون اهل تقوا نیستند. چون از حق اعراض می‌کنند. یعنی عمدا رو بر می‌گردانند.

به انها می‌گویند چرا به مردم کم بضاعت انفاق نمی‌کنید؟ می‌گویند اگر خدا میخواست، آنها فقیر نمیشدند.

انفاق : پر کردن چاله های اجتماع.

مثل رجل یسعی که آمد تا چاله های فهم اجتماع را پر کند و برای بیدار کردن دیگران فعالیت کند.

انسان **حی و زنده** : احساس مسوولیت نسبت به اجتماع. و انسان **مرده** : بی اعتنا به مشکلات جامعه.

این ویروس حتی صیحه الهی نیست. یک اتفاق ساده کوچک است ولی دنیا را به تعطیلی کشانده. نتوانستند فرصتی برای مقابله داشته باشند. سریع آمده.

ازین ببعد آیات در مورد قیامت است و قابل تقسیم به دسته بندی های مفهومی جزئی تر.

آیه ۵۳ :

بهترین شکل شکار، استفاده از غفلت است.

شما با غفلت و خود را به نفهمیدن زدن، نمی‌توانید جلوی اتفاق ها را بگیرید. مرگ انسان کافر، **فجعه** است و مرگ مومن فجعه و ناگهانی نیست. به این معنا که غافلگیر نمی‌شود. همیشه آماده مردن است. ولی کافر هیچ وقت برای مردن آماده نیست.

تاکید مکرر به رحمت الهی : سلام. تهیت. درود. آرامش.

سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَجِيمٍ

با سلام [ی پرارزش و سلامت بخش] که گفتاری از پروردگاری مهربان است. (۵۸)

نمی‌شود کسی در دنیا مرده و بهم ریخته و افسرده باشد ولی در آخرت زنده شود.

پس انسان زنده به سوره یس و قران در اوج مشکلات همچنان زنده است. جاری است. حال خوبی دارد. آرامش درونی دارد و تلاش و تکاپوی بیرونی. زوجیت هایش برقرار است. در حال انفاق کردن است.

نمی خواهد سرگرم باشد. میخواهد متوجه باشد و زنده باشد.

بخاطر نفس زنده این افراد است که مردگی ها رفع میشود. در عالم ، حیات آفرینند. مثل رجل یسعی.

سوره یس میخواهد از ما چنین فردی بسازد.

لازمه اش : **خشیت** داشتن : قلبی متوجه و حق پذیر داشته باشد. انفاق کند. تقوی داشته باشد. احساس مسئولیت کند نسبت به مردم و اجتماع.

قسمت هفتم سوره : آیه ۶۰ بعد (بحث صراط)

جهت قیام آفرین زندگی انسان.

وَأَنْ اعْبُدُونِي ۚ إِذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

و اینکه مرا بپرستید که این راهی است مستقیم، (۶۱)

جهنم : خود قعودداشتن. استحکام درونی نداشتن.

در جهنم بر دهان هایشان قفل میزنند و دست و پایشان حرف میزند. دیگر جای توجیه ندارد.

طمس عین : حتی جای چشم ندارد. جای دیدن ندارد.

مسخ علی مکانت : قفل شدن. توان حرکت نداشتن.

ابزار هدایت همین چشم و دیدن و حرکت کردن است.

کاستی در خلق : کم شدن توان با پیر شدن. که در مومنین کمتر پیش میاید. همچنان تا زنده هستند می بینند و حرکت و ثمر دارند.

« « حالا که توان فانی را از دست میدهی و فرتوت می شوی، به توان باقی توجه کردن.

بالاترین **غفلت** : غفلت از شیطان (ابلیس. نفس اماره. استکبار)

« « « بالاترین هدایت : توجه دادن به شیطان. آگاه کردن فرد از شیطان

هٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

این است دوزخی که به شما وعده می دادند. (۶۳)

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

امروز بر دهان هایشان مهر خاموشی نهیم و دست هایشان با ما سخن می گویند و پاهایشان به اعمالی که همواره مرتکب می شدند، گواهی می دهند! (۶۵)

روزی که رسانه ها خاموش می شود. دیگر حرف شیطان ها اثر ندارد. توان گفتن و دیدن و حرکت ندارند.

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ

و به پیامبر ، شعر نیاموختیم و [شعرگویی] شایسته او نیست . کتاب [او] جز مایه یادآوری و قرآنی روشنگر [حقایق] نیست ، (۶۹)

شعر به معنای منفی : از طریق سرگرمی حواس ها را پرت کردن.

شعر به معنای مثبت : بکارگیری خیال برای انتقال مفهوم.

اینجا قرآن هیچ کدام این ها نیست بلکه محل جریان ذکر است. وصل کننده به ملکوت است. گرم کننده قلب های یخ زده است. مبین و روشن کننده است.

آیه ۷۱ ببعده : توجه دادن به انعام برای بیداری انسان. نیازهای اساسی انسان برای زنده ماندن، در همین خلق چهارپایان و رام انسان شدن آنهاست.

در سبک زندگی امروز ، ما از انعام جدا شده ایم و کمتر آن را درک می کنیم.

خدا استخوان پوسیده را زنده میکند و از دل درخت سبز، آتش میافریند ﴿ ﴿ پس میتواند
مرا هم زنده کند.

دو آیه آخر لبّ مطلب سوره است :

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

شان او این است که چون پدید آمدن چیزی را اراده کند ، فقط به آن می گوید : باش ، پس
بی درنگ موجود می شود . (۸۲)

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

بنابراین [از هر عیب و نقصی] منزه است خدایی که مالکیت و فرمانروایی همه چیز به
دست اوست ، و به سوی او بازگردانده می شوید . (۸۳)

شاید اشاره دارد به این که هرکدام این امرهای الهی جاری شوند ، مثل باران زنده کننده
هستند. امر خدا، نیست را هست می کند. ملکوت هر چیز بدست خداست.

اذا اراد شيء ان يقول له كن فيكون (82)

با هر دستور خدا که اجرا می کنیم، یک حیاتی رخ میدهد. مثل وجود پربرکت و حی رسول
خدا.ص

این حیاتی که بواسطه انجام امر خدا محقق میشود، ما بر صراط قرار می گیریم. مسیردار و
هدفدار می شویم. و حیات پیدا می کنیم. امر خدا که جاری بشود، حیات آفرین است.

یک فرد زنده می تواند با لشگری از مردگان بجنگد!

گویا کسائی با خواندن سوره ایجاد می شود که زیر آن می رویم و از رحمت الهی رزق
میخوریم. در جریان حیات قرار می گیریم.

حدیث کسا که خوانده شود، هم و غصه ها رفع می شود. حاجت ها برآورده می شود. چون :
و کل شيء احصیناه فی امام مبین گویا امامی پیدا میشود که دارای ملکوت است.

اگر ما رجل یسعی باشیم، در جامعه حرکت می کنیم و اجازه نمی دهیم مردم با سرگرمی ها مشغول شوند و دچار غفلت و هم و غم شوند و از یاد خدا غافل بمانند
طبق سوره مبارکه ص :

عمق ذکر در انسان، به اندازه دغدغه او برای گسترش ذکر است.

ذکر و حی بودن گره خورده با مسئولیت پذیری اجتماعی فرد و میزان حساسیت اجتماعی او. قرآن منشاء اصلی حیات در هستی است.

وجه حیات افرینی قرآن، حکیم بودن خداوند و عمل به دستورات و اوامر الهی است.

وجود رسولان الهی و بخصوص پیامبر اکرم. ص سرمنشاء اصلی حیات در عالم است.

بواسطه اصلاح جهت و قیام کردن ازین رحمت بهره مند می شویم.

رحمت جریان پویا و بانشاط حیات است که اگر در انسان جاری شود فرد نسبت به مردگی دیگران بی تفاوت نمی شود.

کسی که **یس** دارد حس ناتوانی نمی کند. هر زنده شدن + خوب شدن حالی بواسطه یس است که رخ میدهد.

واسطه های خوبی باشیم برای جاری شدن حیات در همه آدم ها. انشاءالله